

دین و علم: مسائل تاریخی و معاصر

□ ایان باربور. نیویورک: هارپر افینز، ۱۹۹۷، ۳۷۰ص

□ فرشاد فرشته‌صنّعی

این کتاب، نوشته ایان گریم باربور است. وی دارای مدرک دکترای فیزیک از دانشگاه شیکاگو و درجه تخصصی الهیات از دانشگاه ییل است. ایشان در طول سالیان متمادی علاوه بر استادی فیزیک و ادیان در زمینه فلسفه، متافیزیک و الهیات به پژوهش پرداخته است و از چهره‌های فعال در شکل‌گیری منسجم و پیشرفت حوزه پژوهشی علم و دین به شمار می‌آید. باربور به جهت نقش برجسته‌ای که در این حوزه ایفا نموده است جایزه بزرگ تمپلتون را در سال ۱۹۹۹ دریافت نمود. وی نخستین متن جامع در زمینه مباحث علم و دین را در سال ۱۹۶۶ نگاشت که در ایران با عنوان «علم و دین» ترجمه شد. اهمیت این کتاب به اندازه‌ای بود که آن را پدید آورنده حوزه مباحث جدید «علم و دین» به شمار آورده‌اند و تا مدت‌ها برای دانشجویان و کسانی که به نحوی پیامدهای الهیاتی - فلسفی علوم معاصر را بررسی می‌کردند، متن درسی بود. او دومین کتاب خود را در این زمینه پس از حدود بیست و پنج سال در دو مجلد با نام‌های «دین در عصر علم: اخلاق در عصر فن‌آوری» به ترتیب در ۱۹۹۰ و ۱۹۹۳ منتشر کرد. توجه به نظریه‌های جدید علمی و بررسی پیامدهای اخلاقی فن‌آوری جدید از ویژگی‌های کتاب دوم است. کتاب حاضر با نام «دین و علم»، «مسائل تاریخی و معاصر» آخرین اثر باربور است که در ۱۹۹۷ منتشر شد. این کتاب در حقیقت، آمیزه‌سنجیده‌ای است که در تدوین آن، پژوهش‌های علمی متأخر، پژوهش‌های دینی و کلامی اخیر، و تجربه طولانی تدریس و تحقیق وی مد نظر بوده است. باربور در مقدمه کتاب، غرض خود را از نگاشتن آن، کندوکاو برای تعیین جایگاه دین در دوران علم و نیز ارائه تفسیری از دین معرفی می‌کند که بتواند هم پاسخگوی ایمان مذهبی باشد و هم علوم معاصر را مد نظر قرار دهد.

این کتاب در بردارنده چهار بخش است. در بخش اول با عنوان «دین و تاریخ علم»، زمینه‌های

تاریخی مباحث معاصر علم و دین در سده‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم در سه فصل بررسی می‌شود. عناوین فصول این بخش به ترتیب عبارت‌اند از: فیزیک و متافیزیک در قرن هفدهم، طبیعت و خداوند در قرن هجدهم، و زیست‌شناسی و الهیات در قرن نوزدهم.

به اعتقاد باربور اولین چالش اساسی علم نسبت به دین، موفقیت‌های روش تحقیق در علم تجربی است. این موفقیت‌ها آن قدر فزاینده بود که موجب این توهم شد که علم تجربی تنها روش معتبر معرفت است و بعضی به غلط پنداشتند اعتبار باورهای دینی با دستاوردهای نوین علمی سست شده است. نویسنده در بخش دوم کتاب با نام «دین و روش‌های علم» طی سه فصل به بررسی این چالش می‌پردازد. وی پس از بیان انحصار رابطه علم و دین، و بیان مشابهت‌ها و تفاوت‌های روش‌شناختی علم و دین، در نتیجه‌گیری پایانی این بخش، دیدگاه خود را درباره جایگاه باورهای دینی در دوران علم از حیث روش‌شناختی بیان می‌کند. عناوین سه فصل این بخش به ترتیب عبارت‌اند از: راه‌های ارتباط علم و دین، مدل‌ها و پارادایم‌ها، و مشابهت‌ها و تفاوت‌ها.

از دید باربور، نگرش نوین به طبیعت، دومین چالش علم در برابر دین است. بسیاری از دانشمندان با پیشرفت علم تجربی، دیدگاهی را درباره طبیعت ارائه می‌کنند که با آنچه در سده‌های گذشته ارائه شده است، تفاوت چشمگیر دارد. همچنین پیشرفت علوم، پرسش‌های زیادی را در پیش‌روی دین قرار داده است. نویسنده کتاب در بخش سوم با عنوان «دین و نظریه‌های علم» توجه خود را از روش‌های علم به محتوای بعضی نظریه‌های علمی معطوف می‌سازد و در سه فصل، سه رشته علمی مشخص، یعنی فیزیک، اخترشناسی و زیست‌شناسی تکاملی را مد نظر قرار می‌دهد، وی در هر فصل رئوس مطالب را درباره نظریه‌های رایج آن رشته علمی مطرح می‌نماید و سپس پیامدهای فلسفی و الهیاتی آنها را بررسی می‌کند، طرح برخی از آخرین نظریه‌های علمی جدید همچون آشوب و پیچیدگی، و نیز بررسی تأثیر عرفان شرق بر فیزیک از ویژگی‌های ممتاز کتاب در این بخش به شمار می‌آید. عناوین سه فصل این بخش به ترتیب عبارت‌اند از: فیزیک و متافیزیک، اخترشناسی و آفرینش، و تکامل و آفرینش مدام.

به عقیده باربور، تأملات الهیاتی در دو قلمرو: نخست، سرشت انسان، و دوم، آموزه آفرینش، باید در توضیحات خود، یافته‌های جدید علمی را مد نظر قرار دهد. وی در بخش چهارم با عنوان «تأملات فلسفی و الهیاتی» ضمن بررسی این امر به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: آیا میان یافته‌های زیست‌شناسی تکاملی، و آموزه‌های کتاب مقدس درباره طبیعت انسان، همخوانی وجود دارد؟ ارتباط میان سطوح مختلف در موجودات زنده چیست؟ اگر قوانین علمی بر جهان حاکم است پس فعل خداوند کجا است؟ به عبارت دیگر، رابطه خداوند با فرایندهای علمی عالم طبیعت چیست؟ از نظر نویسنده کتاب، شناخت ارتباط خداوند با طبیعت از پیامدهای علمی در

برخورد با بحران محیط‌زیست برخوردار است که در این بخش به بررسی این امر نیز می‌پردازد. عناوین فصل‌های بخش چهارم به ترتیب عبارت‌اند از: طبیعت انسان، تفکر پویایی و خداوند و طبیعت.

باربور در این کتاب از نظر الهیاتی، متأثر از الهیات مسیحی است و از نظر فلسفی از فلسفه پویا و ایتهد و نیز اصالت واقع‌نقادانه جانبداری می‌کند. باید توجه داشت برخی از آرای باربور در مباحث علم و دین از سوی بعضی صاحب‌نظران این حوزه با نقدهایی مواجه شده است. همچنین در خلال این کتاب مواضعی وجود دارد که از دیدگاه حکمت و اندیشه اسلامی، محل تأمل و نظر است. به اظهار نویسنده کتاب، از ویژگی‌های کتاب آن است که می‌توان آن را به نحو گزینشی مطالعه کرد برای نمونه خوانندگانی که علاقه بیشتری به مباحث فیزیکی دارند می‌توانند فقط فصل‌های اول، هفتم و هشتم کتاب را مطالعه کنند. این کتاب مشتمل بر فرهنگ توصیفی اصطلاحات و نیز فهرستی از عناوین منتخب است.

در مجموع می‌توان گفت این کتاب، کتابی مناسب و سودمند است و پژوهشگران حوزه «علم و دین» از آن بی‌نیاز نیستند. در پایان خاطر نشان می‌سازد این کتاب هم‌اکنون در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دست ترجمه است. و ترجمه آن به زودی در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.